

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ اپریل ۲۰۲۰

## انتقام "غنی احمدزی" از مردم هرات! تقرر یک "گورکن" به حیث والی هرات!

چهارشنبه - ۲۷ حمل ۱۳۹۹ - کابل: «به صراحت برای شما می‌گویم که من در هرات، در حال قبرکندن هستم. اگر روحیه شما را تضعیف می‌کند، در دشت‌ها قبرها را آماده می‌کنیم. امیدوارم که هیچ شهروندی به آن طرف نرود.»

«به دلیل نبود امکانات آزمایش، شمار واقعی مبتلایان خیلی بیشتر از چیزی است که اعلام می‌شود.»

جملاتی که در فوق از نظران گذشت و موضوع یادداشت امروز ما را می‌سازد، مطالبی اند که امروز "سید وحیدالله قتالی" والی جدید هرات در جلسه خبری، با خبرنگاران داخلی و خارجی در آن ولایت بیان داشت.

۱- با آن که تغییر و تبدیل مقامات حکومتی و اداری در هر اداره و هر کشوری امریست عادی و نمی‌تواند بحث برانگیز باشد، مگر زمانی که چنین تغییراتی در بطن و در گرماگرم یک بحران اداری و یا امنیتی و یا صحتی صورت می‌گیرد، مسلم است که تغییر و جابه جایی نمی‌تواند، روال عادی تلقی شود. یعنی فردی که در ببحوه چنان بحرانی از جا بیجا می‌گردد، می‌باید کمبود، ناتوانی و نقصی در خودش و یا سبک کارش وجود داشته باشد که حاکمیت را بر آن می‌دارد تا فرد مذکور را در چنان شرایط بحرانی ناتوان و یا هم نامطمئن احساس نموده، وی را برکنار و فرد دیگری را به جایش مقرر نماید.

۲- از آنجائی که چنین تفرری در همین چند روز گذشته در ولایت هرات صورت گرفته و والی قبلی آن علی رغم تمام جانفشانی هائی که در جریان انتخابات کذائی برای تیم "غنی احمدزی" انجام داده بود و در حد زیادی حامی پروسه تقلب انتخاباتی به نفع "غنی احمدزی" در هرات بود و با آغار بحران صحتی- امنیتی برخاسته از ویروس کرونا در هرات، تا حدی هم خوش درخشید، برکناری وی از وظیفه و تقرر فرد جدیدی به جایش نمی‌تواند، بدون دلیل و پرسش و به مثابه یک روال عادی تلقی گردد.

۳- تا جائی که از گزارشات اوضاع در هرات بر می‌آید و دوستانی که با آنجا مستقیماً در تماس هستند، نقل می‌کنند والی قبلی هرات یعنی "رحیمی" که نزدیک به باند "غنی احمدزی" بود علی رغم آن که در آغاز بحران کرونا، فاصله زیادی با مردم هرات داشت، اما بعد تر هنگامی که مطمئن شد دستانش از جانب ارگ خالی مانده است و حتا آن مبلغ های و عده شده اولی یعنی یک و نیم میلیون دالر در پیچ و خم های اداری بین ارگ و وزارت مالیه کاملاً مفقود شد و از تخصیص دومی هم فقط نصف آن به هرات رسید، سکوت را بیش از آن لازم ندانسته، جهت نجات خودش از زیر فشار

افکار عامه مردم هرات بخشی از حقایق را با سانسور های لازم با رسانه ها در میان گذاشت. یعنی به بزرگترین خیانت و جنایت از دید باند ارگ و شخص "غنی احمدزی" دست یازید، جنایت و خیانت **بیان حقیقت و افشای اسرار مگوی حاکمیت**.

۴- مسلم بود که "رحیمی" با افشای اختلاس و خیانت یک و نیم میلیون دالر از جانب ارگی ها، بر حیات اداری خود نیز نقطه پایان گذاشت، مگر تصور چنان بود که "غنی احمدزی" فردی را به جایش خواهد فرستاد تا ضمن رازداری، فاصله حاکمیت با ولایت هرات را اندکی کاهش دهد و با وعده و وعیدهایش باز هم مدتی مردم را به دم استعمار ببندد. خلاف تصور همگان اینطور نشد، آنها به جای فردی که بتواند بر زخمهای مردم مرحم گذارد، روی دلایل چندی از جمله فساداداری و دسته بندی های داخل ارگ و فقدان عناصر آگاه و شریف و متعهد در کنار خاینان به وطن، آنها والی کنونی یعنی "سید وحیدالله قتالی" را به آنجا فرستادند تا در یکی از نخستین جلسه های خبری اش به مردم هرات اهداف دولت دست نشانده را در مورد مردم هرات صادقانه مگر با پر روئی بیان دارد. یعنی به مردم بگوید که از این حاکمیت انتظار کمک، تداوی و بهبودی روزگار شان را نداشته باشند، زیرا حاکمیت راضی به مرگ همه آنها شده و می خواهد در دشت ها برای آنها گور بکند. هموطنان گرامی!

آنزمانی که والی ها و حکام جدید در محل کارشان به مردم از گسترش معارف، بهبود اوضاع صحی، امنیت و رفاه صحبت می کردند، به استناد سخنرانی "قتالی" دیگر داشتن چنان توقعاتی از والی ها و حکام، امریست بیهوده، در عوض آنها تلاش می ورزند تا "اسم با مسمائی" باشند، یعنی وقتی "قتالی" یعنی "کشنده" تخلص می نمایند، شهروندان کشور را کشته و برای شان گور بکنند.

ادامه دارد